



## مقاصد الشریعه از منظر فقهی شهید صدر (ره) به روایت اهل سنت

پدیدآورنده (ها) : محمدی، جلال

میان رشته ای :: نشریه حبل المتین :: پاییز و زمستان ۱۴۰۱ - شماره ۴۰ و ۴۱

صفحات : از ۷۳ تا ۹۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2024256>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- فلسفه غیبت از منظر روایات - ۲ - آخرین نامه به آخرین نایب - بر اساس دیدگاه شهید صدر دوم
- بررسی ساختارهای پیشنهادی علم فقه از منظر فقیهان پیش از شهید صدر (ساختارهای فقهی مستقل از علم حقوق)
- سازوکار انطباق فقه با زمانه از منظر امام خمینی(ره) و شهید صدر(ره) با تکیه بر مفاهیم عقل و عرف
- بررسی تطبیقی نظریه مقاصد شریعت با اهداف شریعت از منظر تفکر شیعه و اهل سنت
- بررسی تطبیقی عبادت در مقابر از منظر ابن تیمیه و مذاهب اربعه ی فقهی اهل سنت
- زکوی دوست: خاطره ای از شهید بهشتی و امام صدر به روایت سید محمدرضا بهشتی
- واکاوی فقهی مشروعیت قیام امام حسین علیه السلام از منظر اهل سنت
- تبیین واسطه گری در اقتصاد متعارف و نقد آن از منظر شهید صدر(ره)
- بررسی امر به معروف و نهی از منکر از منظر فقه اهل سنت
- نقد مقاله «مقایسه نگرش شیعه به داستان قربانی ابراهیم با یهودیت، مسیحیت، و احادیث اهل سنت» از منظر فایرستون

## مقاصد الشریعه از منظر فقهی شهید صدر (ره) به روایت اهل

### سنت

جلال محمدی<sup>۱</sup>

#### چکیده

مقاصد شریعت عبارت از اهدافی است که در شریعت به منظور جلب مصالح و دفع مفسدات، از ناحیه شارع دنبال می‌شود. مقاصد شریعت به اعتبار اهمیت، به ضروریات، حاجیات و تحسینات تقسیم شده‌اند که حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال بندگان از مصالح ضروریه تلقی شده است. فقیه به استناد آیات، احادیث معتبر، عقل و بنای عقلا، مشروعیت و موارد مقاصد شریعت را به دست می‌دهد. رویه رایج و مرسوم و متداول علمای دین و مدرسان و محققان و طلاب علوم دینی، تا سال‌های متمادی، به ویژه پیش از انقلاب اسلامی ایران، در حوزه‌های علمی، همانا اشتغال به تعلیم و تعلم علوم مختلف دینی، به شیوه‌های سنتی و کلاسیک و با تأکید بر علوم فقه و اصول و با هدف استنباط و استخراج احکام فقهی از منابع دینی و پاسخ به نیازها و پرسشهای شرعی مومنان و متدینان با صدور فتاوا و تبیین حلال و حرام الهی بوده است. اما نیازها و مطالبات مختلف و متعدد و متنوع و جدید انسان معاصر، چه در عرصه فردی و چه در عرصه‌های اجتماعی، بویژه در دوران مدرن و مواجهه مومنان و مسلمانان با اندیشه‌ها و مکاتب و شیوه‌های جدید زندگی و تفکر، نهادهای دینی، مخصوصاً متولیان فکر و اندیشه اسلامی را به تکاپو انداخت و آنان را با چالشهای جدیدی روبرو ساخت. از میان افرادی که قدم به این میدان نبرد و مبارزه علمی و فکری گذاشتند و نام‌آور

۱. قاضی محاکم کیفری در دادگستری ارومیه

گردیدند، بی شک نام شهید مجاهد، آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر (ره) از درخششی پرشکوه و تلالوی چشمگیر و تجلی متمایزی برخوردار گردیده است، به ویژه آنکه، وسعت علم و عمق اندیشه و ژرفای خرد این بزرگمرد فرزانه با تقوی و زهد و ایثار و فداکاری و از خود گذشتگی همراه بوده و در نهایت نیز با خون پاک و مطهرش جاودان شده است. این قلم را نه یارای تبیین ابعاد اندیشه پویای وی است و نه قادر به درک بلندای مقامات معنوی آن شهید سعید، اما به رسم ارادت و از سر وظیفه و عشق، نام خود را به ارادتمندان آن بزرگوار گره زده، تا ما نیز از شفاعت وی بهره و سهمی در روز جزا داشته باشیم.

**کلیدواژگان:** مقاصد الشریعه، فقه، شهید صدر (ره)، اهل سنت، احکام فقهی.



## مقدمه

با مروری بر آثار شهید صدر (ره)، چه کتب و مقالات و چه سخنرانی‌ها و دروس ایشان، به این نکته پی می‌بریم که گویی در ذهن ایشان طرح و نقشه‌ای جامع و کلان از ابعاد تعلیم و آموزه‌های اسلامی در علوم و معارف مختلف، موجود بوده که در کنار یکدیگر، با چیدمانی منظم و منسجم و هدفمند، بنایی عظیم و متقابل را تشکیل داده و به آن استحکام و دوام و جمال و جلال بخشیده‌اند.

در ترسیم این بنا هر بخشی، نقش و سهم و وظیفه‌ای دارند و از سواد و مصالح خاص خود ساخته شده‌اند، اما با این حال، ارتباط هر یک از این اجزاء با یکدیگر و کنار هم قرار گرفتن آنهاست که یک بنا را تشکیل می‌دهد، و در صورت فقدان و یا خلل و نقص در هر یک از اجزاء به کل بدنه آن بنا، خلل ایجاد می‌شود. لذا در کنار اهمیت هر یک از مصالح و اجزاء، ارتباط فیما بین آن‌ها ضروری و لازم است. سیره علمی شهید صدر (ره) بیانگر آن است که ایشان از جمله معدود علمایی هستند که در موضوعات مختلف و متنوع علوم دینی، تأمل و تفکر داشته و حتی اقدام به تالیف و تدریس نموده‌اند، هر چند ایشان به نحو کاملاً برجسته و متمایزی، در بحثهای فقهی و اصولی، مبدع و مبتکر و پیشرو به شمار می‌روند، اما در موضوعات فلسفه، منطق، تفسیر، تاریخ، عقاید و اقتصاد نیز صاحب نظر بوده و صاحب آثاری می‌باشند که با نگاه ویژه‌ای برای پاسخ به دغدغه‌های آن روزگار جامعه دینی، نگاشته شده‌اند.

این قابلیت و توانایی و اهتمام و توجه، بیانگر شخصیت علمی وسیع و چند جانبه و تنوع مطالعات و تحقیقات ایشان است، اما در بعدی کلان، می‌تواند ما را به درک جدید و متفاوتی از نگاه به مسائل مختلف دینی، رهنمون سازد، که در آن، منظومه‌ای از تعلیم و معارف منسجم و مرتبط، با یکدیگر در هم تنیده شده و در تعاملی هدفمند، اهداف معرفتی خویش را محقق می‌سازند و فرد و جامعه را هدایت و مدیریت می‌نمایند.

لذا برای طراحی نظام کامل و جامع برای حیات فردی و اجتماعی، می‌بایست به عمق هر یک از این علوم و معارف غور کرد و با تلاش و کوشش و تحقیق، دستاوردهای آنرا با چینی‌دقیق و منسجم، مرتبط ساخته و نظم منطقی و علمی را بر آن حاکم ساخت، تا بصورت یک نظام و سیستم عمل کرده و خروجی‌های آن را به صورت راه کارهای کارآمد به فرد و جامع عرضه کرد. این نگاه، معنای جدیدی به فعالیت‌های



## ۱. تبیین مفاهیم

در اینجا برای غنا بخشیدن به این پژوهش ابتدا معنای لغوی شریعت و مقاصد را بررسی و سپس مفهوم اصلاحی مقاصد الشریعه را مورد کنکاش قرار داده ایم.

### ۱-۱. شریعت

طبق آنچه در «القاموس» و شرح آن آمده، شریعت عبارت است از آنچه خداوند متعال به عنوان امور دین برای بندگانش تشریح نموده است؛ یا سنتهای دینی را گویند که دستور عمل به آن را صادر فرموده است، از جمله: عبادات؛ مانند روزه، نماز، حج، زکات و سایر اعمال نیکو. و از جمله معاملاتی که زندگی روزمره ی مردم به آن وابسته است؛ مانند بیوع، نکاحها و غیره ( فیروزآبادی، ۱۴۲۳ق: ۲۱۹) چنانکه خداوند متعال فرموده است: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ» (جاثیه: ۱۸) «سپس ما تو را (مبعوث کردیم) و بر آئین و راه و روشنی از دین (خدا که برنامه‌ی همه‌ی انبیای پیشین بوده است و اسلام نام دارد) قرار دادیم.»

اشتقاق این لغت از «شَرَعَ الشَّيْءُ» است یعنی آن چیز را بیان کرد و توضیح داد، یا از «الشَّرْع» و «الشریعه» مشتق شده است که به معنی مکانی است که از آنجا می‌توان به آب چشمه‌ای رسید که هرگز قطع نمی‌شود و برای استفاده از آب آن نیاز به هیچ وسیله‌ای نیست. (النوری، ۱۴۱۱ق: ۳۱۷)

راغب در مفردات القرآن می‌گوید: «الشرع: یعنی راهی روشن و واضح. گفته می‌شود: شَرَعْتُ لَهُ طَرِيقًا، یعنی راهی را برای او تبیین کردم و شرع، مصدر است. سپس به عنوان نامی برای راهی روشن قرار داده شده است و چنین راهی را: شَرِع، شَرَع و شریعه نامیده‌اند. از آن پس این لفظ برای راه الهی به استعاره گرفته شد. راغب از یکی از علما نقل می‌کند که گفته است: شریعت را بدان خاطر به این نام نهاده‌اند زیرا به «شریعه الماء» مشابهت دارد؛ یعنی هر کس به راستی راهی راست و مستقیم به سرچشمه ی آب پیدا کند به حقیقت سیراب و پاکیزه می‌گردد. راغب می‌گوید: مراد من از سیراب شدن چیزی است که یکی از حکما گفته است: من همواره می‌نوشیدم اما سیراب نمی‌شدم. ولی پس از آنکه خداوند را شناختم بدون نوشیدن سیراب شدم! مراد من از پاکیزه شدن.» ( راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۵۰۳) همان منظور خدا در این آیه است که فرموده: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** (احزاب: ۳۳) «خداوند

قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.»  
ماده‌ی «ش، ر، ع» پنج بار در قرآن کریم به صورت فعل و اسم آمده است: (مصطفی سانو، ، ۱۴۲۰ق: ۱۱۹) به صورت فعل ماضی در آیه‌ی زیر آمده است: «شَرَعَ لَكُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۳)

«خداوند آئینی را برای شما (مؤمنان) بیان داشته و روشن نموده است که آن را به نوح توصیه کرده است و ما آن را به تو وحی و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نموده‌ایم (به همه آنان سفارش کرده‌ایم که اصول) دین را پا برجای دارید و در آن تفرقه نکنید و اختلاف نورزید.»

تشریحات خداوند در این آیه مربوط به اصول دین و عقاید است نه به فروع و اعمال. به همین خاطر همه‌ی رسالتهای الهی از عهد نوح(ع) تا دوران محمد(ص) بر آن اتفاق نظر دارند. در همین سوره ماده‌ی «شرع» در نکوهش مشرکان به کار رفته است. بدان خاطر که حق قانونگذاری دینی را برای خود قائل بودند در حالیکه خداوند متعال چنین اذنی به آنان نداده بود: «أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ» (شوری: ۲۱) «شاید آنان انبازها و معبودهایی دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند که خدا بدان اجازه نداده است.»

آنان با این گمان باطل و بدون اجازه‌ی خداوند به تحلیل و تحریم و واجب و حرام نمودن اموری پرداختند و این موارد در آیات مکی مذکور است، اما در آیات مدنی نیز همین لفظ در سوره‌ی مائده به کار رفته است: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِنْهَا جَاءَ» (مائده: ۴۸) «برای هر ملّتی از شما راهی (برای رسیدن به حقائق) و برنامه‌ای (جهت بیان احکام) قرار داده‌ایم.»

پس اگر شریعت در لغت به معنی «راه و روش» است در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته است: آنجا که می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (جاثیه: ۱۸) «سپس ما تو را (مبعوث کردیم و) بر آئین و راه روشنی از دین (خدا که برنامه تو و همه انبیاء پیشین بوده است و اسلام نام دارد) قرار دادیم. پس، از این آئین پیروی کن و بدین راه روشن برو (چرا که آئین رستگاری و راه نجات است) و از هوا و هوسهای کسانی پیروی مکن که (از دین خدا بی‌خبرند و از راه حق) آگاهی ندارند.»



ملاحظه می‌شود که لفظ “شریعه” با این ساختار فقط در این سوره از قرآن کریم به کار رفته است. یعنی در سوره‌ی جاثیه که سوره‌ای مکی است و قبل از نزول آیات مربوط به احکام و قوانین عملی که منحصر به دوران مدنی است نازل شده است. برخی از مبلغان سکولاریسم در این موضوع دچار مغلطه می‌شوند و می‌گویند: لفظ “الشریعه” در قرآن به معنای تشریح و قانونگذاری به کار نرفته است، پس چرا شما مسلمانان تا این حد بر مسئله‌ی قانونگذاری اسلامی پافشاری می‌کنید در حالیکه جایگاه و منزلت آن در قرآن اینگونه است؟!

در جواب باید گفت که اگر مسئله فقط به الفاظ مربوط می‌شد ممکن بود این هم گفته شود که لفظ “عقیده” نیز در قرآن نه در سوره‌های مکی و نه در سوره‌های مدنی به کار نرفته است، پس چرا تا این حد بر مسئله‌ی عقیده تأکید می‌کنید؟! یا ممکن بود گفته شود که لفظ “فضله” هم در قرآن نیست، پس چرا بر قضیه‌ی فضائل اصرار می‌ورزید؟ واضح است که این مسائل، صرفاً نوعی از مغالطه‌های آشکار است که هیچ عاقلی دربند آنها گرفتار نمی‌آید، زیرا اصل و اعتبار به ورود معانی و مضامین است نه ورود الفاظ.

در هر حال شریعت شامل عقاید، شعائر، آداب، اخلاق، قوانین و معاملات است. بدین معنی که شریعت شامل اصول و فروع، عقیده و عمل و تئوری و اجراست. پس هم جنبه‌ی ایمان و عقیده را به طور کامل از جمله الهیات، نبوات و سمعیات در بر دارد و هم جنبه‌ی عبادات و معاملات و رفتارها را. در واقع هر آنچه که رسالت اسلام به ارمغان آورده و قرآن و سنت در برگرفته و علمای عقاید و فقه و سلوک، تشریح نموده‌اند در این مفهوم داخل است. (فرهودی، واعظی، ۱۳۹۸: ۲۲)

## ۲-۱. مقاصد

شریعت اسلام هدفمند است و احکام آن دارای مقاصد و عللی است. نصوص دینی نیز به نصوص بیانگر حکم و بیانگر مقاصد و علل تقسیم می‌گردد. عقل، بنای عقلا، کیفیت بیان نصوص قرآن و روایات، از راههای تشخیص مقاصد است. رابطه تنگاتنگ شریعت و مقاصد این پرسش را ایجاد می‌کند که فقیه در مقام استنباط تا چه حد باید به مقاصد توجه کند؟ در بیان و فهم رابطه فقه با مقاصد، پنج دیدگاه وجود دارد که از آن میان نظریه‌ای که تنها نصوص بیانگر حکم را دلیل استنباط قرار می‌دهد ولی در فهم و تفسیر آن نصوص به مقاصد و اهداف شریعت نیز نظر دارد، قابل دفاع است. (واسطی، ۱۳۸۶: ۲۹)

نصوص و متون معتبر دینی و عقل سلیم، بر هدفمند بودن شریعت اسلام دلالت دارند. قرآن کریم در آیات بسیاری نه تنها برای کلیت ارسال رسل و انزال کتب، نتایج و اهدافی را برمی‌شمارد، بلکه گاهی برای احکام جزئی و خُرد نیز غرض یا اغراض خاصی را بیان می‌نماید. احادیث فراوانی نیز بر این اصل تأکید دارند. نگارش و تدوین کتاب‌هایی چون علل الشرائع، اثبات العلل، مقاصد الشریعة و... حاصل این تأکید و ابرام است. همچنین متونی که از گذشتگان به ما رسیده، هدفدار بودن شریعت را می‌فهماند. شعار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، لزوم مصلحت در تشریح و «الواجبات الشرعیة أُلطاف فی الواجبات العقلیة» و تعابیری مانند این، از شعارهای شناخته شده‌ای است که به صورت مکرر در این متون به چشم می‌خورد. (ویسی، ۱۳۸۶: ۹۱)

برخی، هدفدار بودن شریعت الهی را به همه فرقه‌ها و مذاهب از امت بزرگ اسلام حتی اشاعره که افعال خداوند را معلل به غرض و تابع هدف نمی‌دانند. عقل سلیم نیز این گونه درک می‌کند چون خداوند حکیم و غنی است، در تشریح مقررات، هدف داشته و مقصد یا مقاصدی را دنبال می‌کند.

## ۲. اندیشه‌های فقهی شهید صدر

شهید صدر در طول حیات علمی پربار خویش، در بحث‌های فقهی، اعم از فردی و اجتماعی، ابداعات قابل توجهی داشته‌اند. این نوآوری‌ها را در سه محور می‌توان بررسی نمود: ۱- باب بندی جدید فقه ۲- دیدگاه‌های حکومتی ۳- دیدگاه‌های اجتماعی. ایشان را می‌توان مبدع رویکرد جدیدی در تفقه دانست که درصدد استنباط «نظامات اجتماعی» از منابع دینی است. در این نگاه، مسائل و موضوعات فقهی، به صورت موضوعات از هم منفصل مطالعه نمی‌شود - آن چنان که در فقه موجود رایج است - بلکه «نظام»، یک کل به هم پیوسته است که موضوعات آن، به یک شبکه یکپارچه تبدیل شده‌اند. (تسخیری، ۱۳۸۸: ۱۵)

استنباط «نظام» به عنوان یک «مجموعه» و «کل»، غیر از استنباط حکم تک تک «عناصر» آن از طریق احکام «موضوعات کلی» است که نیازمند باب جدیدی از تفقه می‌باشد. به بیان دیگر در این نگاه، اسلام تنها مجموعه‌ای از احکام فقهی خُرد نیست، بلکه دارای یک نظام است. احکام اسلامی به طور سیستماتیک با یکدیگر در ارتباطند و برای برپایی حکومت اسلامی، کشف نظامی که این احکام در ذیل آن تعریف شده‌اند ضرورت دارد. (علی دوست، ۱۳۹۰: ۱۹)

تبیین دیدگاه‌های شهید صدر در باب فقه حکومتی، آسیب‌های فقه موجود و ویژگی‌های فقه مطلوب از منظر شهید صدر، تبیین دیدگاه‌های شهید صدر در باب فقه نظام، ضرورت دست‌یابی به آن و همچنین منابع و مراجع استنباط فقه نظام از منظر شهید صدر قابل بررسی است.

## ۲-۱. خصوصیات فکری

ایشان کتاب «العقیده الالهیه فی الاسلام» را پیش از ده سالگی تألیف کرد. «فدک فی التاریخ» نیز که نمونه‌ای کم نظیر در روش بحث از مسائل اختلافی میان مذاهب است در سیزده سالگی شهید صدر به رشته تحریر درآمده است. شهید صدر پیش از چهارده سالگی از جمعی از اساتیدش اجازه اجتهاد گرفت. برای اولین بار در نوزده سالگی نظرات اصولی اش را در کتاب «غایه الفکر» به چاپ رساند. بیست و چهار ساله بود که دست به نگارش «فلسفتنا» زد؛ کتاب بی نظیرش یعنی «اقتصادنا» را در بیست و پنج سالگی تألیف کرد. این مختصر، تنها چکیده‌ای از نشانه‌هایی است که می‌تواند نشان دهنده نبوغ علمی و فکری شهید صدر در عرصه‌های مختلف باشد. اما برای دریافت کامل از این نبوغ باید به آثار شهید صدر مراجعه کرد. (تسخیری، پیشین: ۱۹)

شهید صدر در تمامی مراحل تفکرش، به مضامین و مفاهیم بنیادین اسلامی وفادار است. روش او، اصولی - فقه‌پسند است و در مبانی نظریه پردازی اش وحی محور و نص محور است. از ویژگی‌های فکری جالب توجه ایشان، جمع دو ویژگی معاصرت و اصالت است. با تدبیر در آثار شهید صدر می‌توان دریافت که تلاش‌های فکری ایشان چه در موضوعات، چه در مسائل و حتی در روش؛ متناسب با مقتضیات عصر است. به نحوی که دغدغه او ارتباط مسائل امروز با متن دینی است. به جرئت می‌توان ادعا کرد که شهید صدر (ره) در هر عرصه‌ای قلم زده است، مرزهای دانش را به پیش برده و یا مکتب آفرینی کرده است. (حسینی حائری، ۱۳۷۵: ۳۵)

رویکرد شهید صدر (ره) در تبیین نظرات اسلام، رویکردی تطبیقی است. بدین معنا که نظرات اسلام در تطبیق و مقایسه با اندیشه‌های مسلط اروپایی (چه لیبرالی، چه کمونیستی) بیان شده است. از دیگر ویژگی‌های فکری شهید صدر (ره) جامعه‌نگری است. تفکر برای تفکر بدون توجه به مسائل امروز جامعه، در نزد ایشان جایگاه چندانی ندارد. کل‌نگری، شمول، ثبات، روشمندی و ساختارمندی از دیگر ویژگی‌های فکری شهید صدر (ره) هستند. (همان: ۳۷)



هم پیوسته مبتنی بر یک قاعده است؛ لذا قواعد اجتماعی بر خطا گذاشته می- شود و اصلاحات جزئی کمکی نمی‌کند. لذا شهید صدر رویکرد دیگری مطرح کرده و معتقد است آنچه از غرب آمده، نظام و سیستمی است که سعی در تغییر مبنا و قواعد حیات دارد و باید در مقابل آن، نظامی مبتنی بر قواعد خود، طراحی کرد. شهید صدر در این راه به موفقیتی نسبی دست یافته است که به ابعاد و جزئیات نظام پیشنهادی شهید صدر در برابر نظام های تمدن غرب، می‌پردازد. (حکمت عبید الخفاجی؛ ۲۰۱۹ م: ۱۷)

از منظر ایشان مکتب اقتصادی؛ علم اقتصاد و مکتب اقتصاد، از دید شهید صدر باهم متفاوتند. علم اقتصاد عبارت است از علمی که حیات اقتصادی و پدیده‌ها و جلوه‌های آن را تفسیر کرده و ارتباط آن را با اسباب و عوامل کلی‌ای که بر آن حاکم است، بیان می‌دارد. (تسخیری، پیشین: ۲۲)

منظور از مکتب اقتصادی ایجاد روش برای تنظیم زندگی اقتصادی است؛ که متکی به عدالت باشد. بنابر این هنگامی که از مکتب اقتصادی اسلام می‌پرسیم، مقصود آن است که بدانیم آیا اسلام، روشی برای تنظیم زندگی اقتصادی جوامع بشری دارد؟ آن گونه که مثلا کاپیتالیسم با اصل آزادی اقتصادی، روش کلی خود را در تنظیم زندگی اقتصادی اعلان می‌نماید. مکتب اقتصادی عهده‌دار ایجاد روش برای تنظیم عادلانه زندگی اقتصادی است؛ ولی علم اقتصاد روشی برای تنظیم زندگی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه روشی که در جامعه‌ها پیاده شده در نظر گرفته و به بررسی نتایج و آثار آن می‌پردازد. (حسینی حائری، ۱۳۸۰: ۷۸)

در این چارچوب، مکتب به مجموعه اصول اعتقادی، وظایف عملی و تعهدات اخلاقی اطلاق می‌شود و جنبه ایمانی آن بیشتر مورد توجه است در حالیکه علم، هرچه رشد و تکامل یابد، وسیله‌ای خواهد بود برای کشف حقایق خارجی در زمینه‌های مختلف. همچنین علم، وظیفه دارد که واقعیت را بی طرفانه تفسیر کند و تا آخرین درجه ممکن دقت و درون‌کاوی را منعکس سازد.

از منظر این بزرگوار احکام شرعی مبتنی بر مصالحی است که شارع مقدس بر اساس آن‌ها احکام خود را جعل نموده است. ثبوت مصلحت در همه احکام - چه اولیه و چه ثانویه - امری مسلم است، منتها گاهی عنوان مأخوذ در موضوع حکم، عنوانی است که با قطع نظر از عوارض و طواری، برای موضوع ثابت می‌باشد - که در این صورت،

حکم، اولی نامیده می‌شود - و گاه عنوانی است که با لحاظ عوارض و طواری در نظر گرفته می‌شود - در این صورت، حکم را ثانوی می‌نامیم - برای مثال، مردار موضوعی است که با قطع نظر از عوارض، متعلق حکم حرمت قرار گرفته و همین موضوع با لحاظ عوارض - مثل گرفتار شدن در بیابان و تنها راه نجات به خوردن آن باشد - متعلق حکم جواز اکل محسوب می‌شود.

شایان ذکر است که دیدگاه اشاعره و ظاهریه که به ظاهر، حکایت از نفی مصلحت در احکام شریعت دارد، به معنای نفی ثبوت مصلحت در احکام موجود نیست، بلکه معلل بودن و مقید گشتن احکام به مصالح مورد انکار ایشان است؛ بنابراین، طبق نظر ایشان، شارع می‌تواند حکمی نماید که در آن هیچ مصلحتی نباشد، اگر چه استقرا ثابت می‌کند که احکام شرعی همگی به خاطر مصالحی مقرر گردیده‌اند. (دراز، ۲۰۱۲م: ۲۵۶)

به هر تقدیر احکام شریعت بر مبنای مصالحی مطرح شده‌اند که در حقیقت هدف احکام را تشکیل می‌دهند. در این باره «غزالی» می‌نویسد: هدف شرع، حمایت از دین، جان، عقل، نسل و مال مردمان است. هر آن چه که متضمن حمایت از این پنج اصل باشد، مصلحت نامیده می‌شود و هر آن چه ناقض آن‌ها است مفسدت است. (الدرای، ۲۰۱۶: ۲۲) و نیز «خوارزمی» می‌گوید: مصلحت عبارت از حفظ مقصود شارع - که دفع مفساد از خلق می‌باشد - است. «رازی» هم در المحصل می‌افزاید: مصلحت، همان منفعتی است که شارع حکیم آن را برای بندگان در نظر گرفته است؛ یعنی حفظ دین، جان، عقل، نسل و اموال ایشان. (همان: ۲۴)

### ۳. مقاصد الشریعه از دیدگاه سنت

یکی از مسایل مهمی که در فقه و حقوق اسلامی همواره مطرح بوده مسأله اجتهاد است، اگر از لحاظ تاریخی به این مسأله پرداخته شود، پی می‌بریم که فقهای ما حداقل براساس آنچه در کتابهای تاریخ فقه آمده است. (علی دوست، ۱۳۹۰: ۲۳) همیشه در صدد پاسخگویی به مسائل مطرح شده بوده‌اند، طوری که در هنگام وجود مسأله‌ای جدید نهج اصلی و علمی بر این بوده است که جهت یافتن پاسخ به کتاب قرآن که مصدر تمام منابع استنباط احکام شرعی است مراجعه می‌کردند و بعد از تحقیق و تفحص و نیافتن حکم آن به سنت نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) - صرف نظر از اختلاف آراء در خصوص اقسام سنت یا خبر و شرایط حجیت آن - مراجعه می‌کرده و

در صورت نیافتن حکم در آن به عمل صحابه یا فقهای پیشین رجوع می‌کردند و سرانجام پس از کوشش تمام و نهایت سعی خود حکم مسأله را بر اساس دیدگاه و استنباط خود استخراج می‌کرده است که این شیوه ای مرسوم میان تمام اصولیین بوده است.

در این رابطه امام شاطبی دارای ویژگی بارزی است که با فکر و ایده جدیدی که ارائه کرد و آن را تحت عنوان «مقاصد شریعت» در کتاب مهم خودش به نام «الموافقات فی أصول الشریعة» آورده است، سبب انقلاب بزرگی در تاریخ اصول فقه شد، چرا که ایشان همانند سایر اصولیین قبل از زمان خود، علی‌رغم توجه به تمام ادله شرعی مثل، قرآن، سنت، اجماع و قیاس و... به روح و مقاصد شریعت نیز توجه و اهتمام ویژه‌ای داشتند، لذا سبب شد تا ایشان جهت استنباط احکام شرعی - که در برگیرنده مقاصد شریعت مقدس اسلام و مصالح و مفاسد بندگان خدا در دنیا و آخرت می‌باشد - ضوابط و قوانینی را هر چند در کتاب‌های قبل از کتاب ایشان نیز به نوعی مطرح بوده متذکر شود و آن ضوابط را به طور اختصاصی در شخص مجتهد که از آن به مقدمات تمهیدیه یاد کرده است مثل، ادله بر قطعیت اصول فقه، پاک سازی و سالم سازی عام اصول فقه از چیزهای غیر مرتبط، اخلاص نیت و نیز در شرایط صحت نظر به ادله، مثل وجوب اعتبار جزئیات شریعت همراه با کلیات آن و بالعکس در هنگام نظر به ادله، تقسیم ادله، عدم تعارض ادله‌ی شرعی با عقل و... مورد بررسی قرار داده است. (شاطبی، ۱۴۱۲: ۲۹۱)

از منظر علمای اصولی اهل سنت رویکرد نوگرایانه مبتنی بر اصولی مسلم است که در پذیرش آن‌ها هیچ شک و تردیدی ندارد و بر این باور است که تسلیم‌پذیری در برابر آن‌ها و عمل بدان‌ها بر همه‌ی افراد، امری اجتناب‌ناپذیر است و هر کس که از آن‌ها دنباله‌روی نمی‌کند یا تسلیم آن‌ها نمی‌گردد را با انواع برجسپ‌هایی که بیانگر نکوهش و تخریب اوست توصیف می‌کند. (علی دوست، ۱۳۸۷: ۴۰)

مهمترین و خطیرترین این اصول: اصل تاریخ‌مندی است و بدان معناست که رویدادها، اقدامات و خطاب‌ها دارای اصل واقعی در زندگی، اعتبارات زمانی و مکانی و شروط مادی و دنیوی است و اصطلاحات و افکار دستخوش تکامل و تغییر و بازنگری کاربردی قرار می‌گیرند. این اصل در راس هرم نوگرایی قرار می‌گیرد و بُعد معرفتی عمیق‌تر و مقدس‌تر را در پروژه‌ی نوگرایی شکل می‌دهد. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۵: ۴۴)

به همین سبب، گفتمان نوگرایانه همواره تلاش می کند که دیدگاه تاریخ مندی را در تعامل با شریعت اسلامی و میراث پیرامونی آن، جایگزین دیدگاه مطلق گرایی کند که به قول آن ها «اندیشه‌ی دینی» با آن تعامل می نماید.

البته گفتمان نوگرایانه پنهان نمی کند که دشواری شدیدی در پایه گذاری و نهادینه کردن این دیدگاه در عقل مسلمان معاصر می یابد؛ بر همین اساس، بسیاری اوقات به فریب فکری پناه می برد لذا به جای آن که با میراث اسلامی به چشم یک مخالف برخورد کند و خود را در سوی دیگر ببیند، سعی می کند چیزهایی را بیابد که بتواند همچون ریشه‌ای برای نگاه تاریخ مند عمل کند! این شیوه‌ی برخورد، بیان گر پیچشی شدید در طرح نوگرایانه است و با شدت تمام، پرده از میزان بحران شکست آمیزی بر می دارد که نوگرایان در آن به سر می برند.

از ابعاد شرعی و میراثی که گفتمان نوگرایانه، روزنه ای در آن پیدا کرد تا از خلال آن به پایه گذاری و توجیه تاریخ مندی قوانین و اصول شریعت و احکام تفصیلی آن بپردازد، نظریه‌ی مقاصد است. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۹۰)

کسی که به مطالعه‌ی تولیدات فکری نوگرایانه می پردازد به کارگیری گسترده‌ی اصطلاح مقاصد و حضور انبوه مفاهیم مربوط بدان، توجه وی را جلب می کند. این نظریه، مورد توجه وسیع آن ها قرار گرفته و در محافل فکری، نشست ها و گفتگوهای نوگرایی بسیار مورد استقبال واقع شده است.

گفتمان نوگرایانه از خلال تکیه بر نظریه‌ی مقاصد به تباه سازی احکام تفصیلی شریعت و شرایع تکلیفی رسیده و به این باور رسیده که احکام شریعت جز برای محقق ساختن مقاصد آن وضع نشده است چرا که مقاصد به نسبت اهداف در جای وسایل قرار می گیرند بنابراین احکام حدود جز برای بازدارندگی مرتکبان گناهان وضع نگردیده است و ممنوعیت ربا جز برای تحقق عدالت و ممانعت از سوءاستفاده‌ی قوی از ضعیف وضع نشده است و درمورد هر حکمی از احکام شریعت چنین است، یعنی آن ها هیچ ارزشی در ذات خود ندارند بلکه ارزش آن ها از جهت محقق ساختن مقاصدشان است لذا اگر مقاصد یاد شده از راه دیگری محقق شود چنان که دوران یا نیاز مردم، راه دیگری را واجب گرداند که مقصد آن را برای ما محقق می سازد دیگر نیازی به پایبندی به آن نیست و هیچ توجیهی برای تداوم آن باقی نمی ماند و این حکم، همه عبادات شرعی را در بر می گیرد، در نتیجه شریعت، عبادات را بدین دلیل آورده است که اهداف



خود را در زمان رسالت محقق می سازد و این بدان معناست که هدف از تشریح عبادات فقط برای این بوده که وسیله هستند. (شرفی، ۱۳۸۲: ۸۲)

برای تحقق عدالت و ضابطه مندی بیشتر در نسبت دادن این گفته به گفتمان نوگرایانه می بایست برخی سخنان دال بر این امر را نقل کرد. از کسانی که بیشترین توجه را به نظریه ی مقاصد معطوف داشته عبدالمجید الشرفی است. او بر این باور است که شریعت با داده های مدرنیسم معاصر در حالتی از بحران به سر می برد و هیچ راهی هم برای برون رفت از این بحران نیست جز رهایی یافتن از امور مطلقی که اختلاف محیط، تاریخ و مکان را مدنظر قرار نمی دهد و بیان داشته که رهایی از این امور مطلق مغایر با اوضاع جدید از راه هایی چند صورت می پذیرد از جمله: «لزوم رهایی از وابستگی بیمارگونه به ظاهر نصوص - بویژه نص قرآنی - و اعطای جایگاه مناسب به مقاصد شریعت در وضع قوانین بشری که متناسب با نیازهای جامعه ی معاصر است». (عبدالحلیم، ۱۴۳۸م: ۳۸)

۸۷  
حسب التین

مقاصد الشریعه از منظر فقهی شهید صدر (ر) به روایت اهل سنت

او بدین امر فراخوانده که «امور مسلمی که از قرن دوم هجری تا کنون در وجدان اسلامی استقرار یافته است را باید وارونه ساخت و بدین امر اقرار کرد که مهم، نه خاص بودن سبب است و نه عام بودن لفظ بلکه باید در پس سبب خاص و لفظ بکاررفته برایش به دنبال غایت، هدف و مقصد بود» سپس نتیجه این امر را بیان داشته و گفته است «و در این بحث، مجال برای اختلاف تاویل برحسب نیازهای مردم، اختلاف محیط، بحران ها و فرهنگ آن ها وجود دارد». (عبدالحمید الشایب، ۲۰۱۵م: ۲۴۵)

در نتیجه به الغای وجوب عبادت های بزرگ در اسلام همچون نماز، روزه، زکات و حج رسیده است با این دلیل که شریعت، احکام آن ها را برای مصلحتی آورده است که متناسب با آن عصر بوده لذا اگر مقاصد آن ها در تعالی روح و تحقق عدالت به شکل های دیگر تحقق یابد در این صورت ملزم به تفاسیل تشریحی آن ها نیستیم. (همان: ۲۴۶)

حسن حنفی، مصلحت را اولین منبع برای تشریح قرار می دهد و مبنایی می داند که نصوص وحی بدان تحاکم می کنند و مرجع قابل اعتمادی در تسلیم پذیری در برابر آن قلمداد می نماید چنانکه می گوید: «تمامی منابع تشریح بر پایه ی منبعی واحد که مصلحت است استوارند به اعتبار اینکه مصلحت، اولین منبع تشریح و قانونگذاری است لذا کتاب قرآن مبتنی بر است و سنت نیز به همانگونه مبتنی بر مصلحت است». (مجاهد، ۱۹۹۶م: ۵۸۹) و می گوید: «همان طور که نقل در حالت تعارض به نفع عقل تاویل

می‌گردد به همان شکل نیز نقل در حالت تعارض به نفع مصلحت تاویل می‌شود» ( همان: ۵۹۱) و بین نقل قطعی و غیر آن تفاوتی قائل نمی‌شود زیرا همگی را تابع مصلحت می‌داند.

جابری عمل فقیهان را مورد انتقاد قرار می‌دهد و آن‌ها را چنین توصیف می‌کند که بجای مقاصد شرعی به مسائل لغوی مشغول گشته‌اند و این قاعده‌ی فقها را به باد انتقاد می‌گیرد که وجود و نبود حکم را به همراه علت آن قرار می‌دهد و به تغییر آن فرا می‌خواند، این گونه که وجود و نبود حکم به همراه مصلحت آن باشد و برای آن مثالی می‌زند که تحریم ربا در برخی سندها و سرمایه‌گذاریهای بانکی است که او به مباح بودنشان بخاطر نبود سوءاستفاده در آن‌ها تصریح کرده است! و نظرش را اینگونه مورد تاکید قرار می‌دهد که: «معلوم است که سوءاستفاده کردن یکی از حکمتهای تحریم ربا است» (محمد، ۲۰۱۳: ۶۸۴)

نصر حامد ابوزید معتقد است که اندیشه دینی از سیطره تقدس‌گرایی نص دینی رنج می‌برد و او با نص با این اعتبار برخورد می‌کند که فراتر از واقعی است که در آن شکل گرفته است، همچنین بر این باور است که راه حل این امر، رهایی یافتن از سیطره‌ی نص دینی و جایگزینی دیدگاه تاریخمندی با آن در تعامل با عقاید و تشریحات دربردارنده آنست که می‌توان آنرا از خلال جایگزین نمودن دیدگاه مقاصدی در برخورد با نص دینی انجام داد همانطور که - به قول او - عمر بن خطاب چنین کرد. (الدرای، ۲۰۱۶: ۲۲)

تعریف و تمجیدهای گفتمان نوگرایانه از نظریه‌ی مصلحت‌پای پی‌امده داشت بر این اساس که نمایانگر زیربنا و مرجع قانونگذاری اسلامی است که از خلال آن می‌توان روح اسلام را در عصر مدرنیسم حفظ نمود و مجتهدان از خلال آن می‌توانند آنچه را که مصلحتش از دست رفته منسوخ کنند و از خلال آن می‌توانند از سیطره نص دینی - آنطور که می‌گویند - رهایی یابند و در گستره‌ی تشریح اسلامی، آزادانه به سیر پردازند تا مرزبندی‌های موجود در نقشه آن را برحسب مصلحتی که می‌بینند تغییر دهند.

از خواننده‌ی گرامی نمی‌خواهیم که به صرف خواندن این نظریه بر آن حکم صادر کند چرا که روشمندی صحیح در برخورد فکری این نیست که با دعوت گفتمان نوگرایی به حاکم گرداندن نظریه‌ی مقاصد، در انکار یا حکم به بطلان آن شتاب نماییم بلکه ابتدا باید به تحلیل آن پردازیم و روشمندی و منهجیتی ارائه دهیم که

ضرورت‌های عقلی، دلایل تاریخی و نیازمندی‌های معرفتی را مد نظر قرار می‌دهد. در این صورت به روشنی درخواهیم یافت که این گفتمان از ایرادهای معرفتی و منهجی عمیقی رنج می‌برد که خلل بزرگی را در ساختار آن و فساد معرفتی را در بافت آن ایجاد کرده است. برای آن که این گفته، محدود به ادعای خشک و خالی بدون استناد به واقع نباشد.

اگر ما به مقایسه‌ی میان تلاش‌های فقیهان و اصولی‌ها و بین تلاش پروژه‌ی نوگرایانه نظیر شهید صدر در بیان مقاصد عام و خاص و مادی و معنوی شریعت بپردازیم مشاهده می‌کنیم که فقیهان، تلاش‌های بزرگ و بسیاری را مبذول داشته‌اند و مسافت‌های زیادی را در پژوهش و کنکاش مقاصد شرع پیموده‌اند و از خلال آن توانسته‌اند به انواعی از مقاصد برسند که شریعت برای تحقق آن‌ها آمده است. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۴۷) البته ما منکر این نیستیم که پروژه‌ی فقیهان، اشتباهات و مبالغه‌هایی هم دارد اما خواننده می‌تواند از مجموع آن چه به صورتی پخته ارائه کرده‌اند به حق بودن، موجه بودن و لزوم اجرای احکام و حدودی که شریعت آورده، نتیجه بگیرد که شریعت در کامل‌ترین صورت و روشن‌ترین حالت نازل شده است ولی در مقابل، کوتاهی و نقصانی ظاهری در گفتمان نوگرایانه نسبت به این مسئله مشاهده می‌کند و همین امر است که پژوهش‌های نوگرایی را علاوه بر مخالفتش با نصوص شرعی، گرفتار اشتباهات بزرگی کرده که مخالف تاریخ هم است.

با وجود اهمیت زیادی که گفتمان نوگرایانه به مقاصد داده است و منزلت بالایی که مقاصد نزد آن بهره‌مند است اما معمولاً برای خواننده، مفهوم مقاصدی که آن را بر نصوص شرعی مقدم داشته و حاکم بر آن قرار داده را بیان نکرده است. همچنین برای او درون‌مایه‌های معرفتی‌ای که بیانگر اصل، حد و مرزها و مؤلفه‌های آن است و دربردارنده استفاده‌ی آن به شکلی ضابطه‌مند است را ارائه نکرده است اما در گفتمان شهید صدر تا آن حد است که یکی از پایه‌هایی اصلی باشد که نصوص شرعی بدان تحاکم می‌کنند و در پرتو آن فهم می‌شوند و امور قطعی شرعی بر اساس تغییر آن دستخوش تغییر می‌شوند، چنین جایگاهی به سبب آثار مترتب بر آن و ابعاد معرفت‌شناسانه‌ای که بر آن بنا می‌شود قطعاً وظایف زیادی را بر دوش خواهد گرفت.

### نتیجه گیری

پرداختن به ضوابط و مقدمات اجتهاد و استنباط احکام شرعی از منابع فقهی کار بس

سخت و دشواری است و طبیعتاً کسی در این راستا می تواند مطالب را به نحو احسن ارائه نماید که صلاحیت و اهلیت نظریه پردازی در آن علم را داشته و به روح، مقاصد و مصالح شریعت، الطایف و جزئیات دلایل آگاه باشد، با تأمل در مسأله اجتهاد و شرایط و ضوابط آن می توان به این مهم رسید که امروزه هرگاه به روشی که شاطبی در خصوص اجتهاد، استدلال و استخراج، به ویژه ضوابط صحت آن در هر مرحله از مراحل علم آموزی که ایشان یاد آور شده اند توجه شود، به تحقیق حرکت فقه و اصول به همان اصول اولیه اسلامی آن بر می گردد.

از آنجا که مسأله وحدت و همگرایی مسلمانان در دنیایی که دشمنان اسلام نه تنها با مذاهب اسلامی بلکه با اصل دین اسلام ستیز دارند و تمام سعی و تلاش خود را جهت از بین بردن و تضعیف و نهایت، عدم کارایی جلوه دادن آن دارند از مسائل بسیار مهم و ضروری جامعه کنونی مسلمانان می باشد و می طلبد که علمای اسلام با استعانت از خداوند متعال و استمداد از منابع غنی و اصیل استنباط احکام شرعی با بینش بالای خود و توجه به روح و مقاصد شریعت و با چشم پوشی از تعصبات غیر اصولی از مذاهب، جهت اثبات پویایی، انعطاف پذیری و همه گیری احکام اسلامی سعی در استنباط و استخراج احکام شرعی به خصوص مسائل مستحدثه داشته باشند و با اجتهاد پویای خود جهان شمولی دین اسلام را به اثبات برسانند. این مهم جز با تعریف و تحدید ضوابط اصولی و مستحکم امکان پذیر نیست، چرا که اگر مجتهدین ما ضابطه مند بوده و در کنار آن به روح و مقاصد شریعت نیز توجه بیشتری داشته باشند، این خود یکی از عوامل مهم تعامل و همگرایی میان مذاهب بوده و نوید بخش ایجاد زمینه تقریب و اخوت دینی پایدار می باشد.

به نظر می رسد که مقاصد شریعت را به «تعمیر» که مقصدی کلی که ناظر و شامل همه ی مقاصد است می توان فروکاست؛ چون هدف از ایجاد هستی و نزول وحی الهی تعمیر و آبادانی آفاق و انفس است که همه ی مقاصد شریعت را در بر می گیرد. پیشنهاد نگارنده این است که پژوهش گران و پژوهندگان اصول و فقه، تحقیقات خود را بدون تعصب و پیشداوری انجام دهند و با توجه به اهمّیت علم مقاصد و فقه اولویات جا دارد این علم در صدر رشته های علوم انسانی قرار گیرد. به نظر می رسد یکی از نیازهای عصر حاضر برای دانشمندان و پژوهشگران علم اصول و فقه اهل سنت و امامیه این است که از نظرات یکدیگر استفاده نموده و با همدیگر تضارب آرا داشته باشند تا به غنای هرچه

بیش‌تر این نظریه مدد رسانند.

باری، یکی از مباحث مهمّ که در «دانش مقاصد» توجّه طرفداران اندیشه‌ی مقاصدی را به خود جلب کرده است، بازبینی و بازتولید، در شمار مقاصد پنج‌گانه مشهور است. از زمان امام غزالی تاکنون، اهل فن مقاصد ضروری شریعت را در پنج مقصد طبقه بندی کرده‌اند. غزالی و فخر رازی، تعداد این اهداف را برشمردند؛ و آن را محصور به حصر خاصّ نکردند و در مقابل، آمدی آن را محصور به حصر پنجگانه نموده و بر این باور است که وجود مقصدی ضروری خارج از این موارد پنج‌گانه، به‌طور عادی منتفی است. شاطبی نیز، به حصر مقاصد در موارد پنج‌گانه یاد شده تصریح کرده است. ابن تیمیه و ابن فرحون متمایل به توسعه در دایره در مقاصد پنجگانه دارند. ابن عاشور بُعد تازه‌ای را در بحث مقاصد ضروری مورد توجّه قرار داد که بعد اجتماعی آن است. وی یادآور شد که حفظ این کلیّات یا مقاصد پنج‌گانه، نسبت به افراد امت و به طریق اولی نسبت به عموم امت تفاوت دارد. شیخ محمد غزالی، دکتر یوسف قرضاوی و احمد خمیلی به عدالت، برابری، آزادی و حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ضمن مقاصد اعلای شریعت اشاره کرده‌اند. احمد ریسونی معتقد است که حصر مقاصد ضروری شریعت در این موارد پنج‌گانه، نیازمند بازنگری و بازتولید است؛ زیرا این حصر، یک امر اجتهادی است و از قدیم نیز مواردی به این مقاصد پنج‌گانه افزوده شده است. به‌طور خلاصه، مقاصدی که علمای معاصر بر مقاصد پنج‌گانه مشهور افزوده‌اند عبارت است از: حفظ فطرت، نظام، مساوات، آزادی و عدالت، کرامت، حقّ، امنیت، وحدت، اخلاق، صلح و...

سخن آخر اینکه می‌توان مقاصد شریعت را به یک مقصد کلیّ که ناظر و شامل همه‌ی مقاصد است تقلیل داد و آن همان «تعمیر» است چون هدف از ایجاد هستی و نزول وحی، تعمیر آفاق و انفس است که شامل همه‌ی مقاصد شریعت می‌شود.

## کتابنامه

### فارسی

۱. تسخیری، محمد علی؛ مقالات اندیشه ای: فقه «مقاصدی» و حجیت آن (با نگاهی به: شیوه ی شهید صدر)، مجله: اندیشه تقریب « بهار ۱۳۸۸ - شماره ۱۸ .
۲. حسینی حائری، سید کاظم؛ زندگی و افکار شهید صدر، ترجمه حسن طارمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۳. حسینی حائری، سید کاظم؛ اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر رحمه الله، منبع: اقتصاد اسلامی سال اول ۱۳۸۰ شماره ۱.
۴. شرفی، عبدالمجید، عصری سازی اندیشه دینی، ترجمه محمد امجد، تهران، چاپ اول، نشر ناقد، ۱۳۸۲ش.
۵. علی دوست، ابو القاسم؛ دین، شریعت و مصلحت، مجله: قبسات « پاییز ۱۳۹۰ - شماره ۶۱.
۶. علی دوست، ابو القاسم؛ مصلحت در فقه امامیه، مجله: حقوق اسلامی « پاییز ۱۳۸۷ - شماره ۱۸.
۷. فرهودی، مصطفی؛ واعظی، محمد علی؛ مقاصدالشریعه از منظر دکتر یوسف قرضاوی، مجله: سلفی پژوهی « پاییز و زمستان ۱۳۹۸-سال پنجم، شماره ۱۰ .
۸. کولائی، الهه؛ و دیگران، یادواره شهید آیت الله سید محمدباقر صدر، بی جا، کانون انتشارات ناصر، ۱۳۶۰.
۹. مجتهد شبستری، محمد، هرمنوتیک کتاب و سنت، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۰. مجتهد شبستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، محمد، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۱. ملکیان، مصطفی، راهی به رهایی، تهران، انتشارات نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۲. واسطی، عبدالحمید؛ اندیشه: نگرشی دیگر به اهداف دین، مجله: کتاب نقد « پاییز ۱۳۸۶ - شماره ۴۴.
۱۳. ویسی، زاهد؛ نظریه مقاصدالشریعه یا اهداف دین؛ راهی برای گذار از آفات و آسیب های دین ورزی و دین پژوهی، مجله: کتاب نقد « پاییز ۱۳۸۶ - شماره ۴۴ .

## عربی

۱۴. حکمت عبید الخفاجی؛ عبدالله القره غولی؛ مقاصد الأحكام الشرعية عند علماء الامامية: قراءة في التراث الفقهي والتفسيري، مجله: كلية التربية الأساسية « نيسان ۲۰۱۹ - العدد ۴۳ .
۱۵. دراز، رمزی محمد علی؛ حقوق الإنسان مقاصد ضرورية للتشريع الإسلامي، مجله: الحقوق للبحوث القانونية الاقتصادية « يناير ۲۰۱۲ - العدد ۴۰ .
۱۶. الدراوی، الدكتور العیاشی؛ الاجتهاد بین مقتضى تغییر الواقع وضرورة تجديد قراءة النصوص، مجله: الاجتهاد المعاصر « الصيف ۲۰۱۶، المجلد ۱ - العدد ۱ .
۱۷. الدراوی، الدكتور العیاشی؛ علم أصول الفقه -مکامن الجمود وممكنات التجديد-، مجله: الاجتهاد المعاصر « الخريف ۲۰۱۶، المجلد ۱ - العدد ۲ .
۱۸. راغب اصفهانی، حسن بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، نشر دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۱۹. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الشريعة، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. عبدالحلیم، اشرف علی؛ مقاصد الشريعة فی العقود المالية: عقد الاستصناع نموذجاً، مجله: جامعة الشارقة « ربيع الأول ۱۴۳۸ - العدد ۳۱ .
۲۱. عبدالحمید الشایب، فراس؛ الترجیح بین المقاصد واثره فی الفقه الاسلامی "د ارسه تاصيلیة تطبیقیة، مجله: دراسات (علوم الشريعة والقانون) « السنة ۲۰۱۵، المجلد ۴۲ - العدد ۳ .
۲۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط والقابوس الوسيط الجامع لما ذهب من كلام العرب شماطيط، انتشارات داراسلاميه، لبنان، طبع ۶، سال ۱۴۲۳ ق.
۲۳. قطب مصطفى سانو، معجم مصطلحات اصول الفقه، بیروت، دارالفکر المعاصر، دمشق، دارالفکر المعاصر، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. مجاهد، أسامة أبو الحسن؛ حماية حق ملكية العين المؤجرة في ظل عدم دستورية عقد الإيجار لأقارب المصاهرة، مجله: العلوم القانونية والاقتصادية « يوليو ۱۹۹۶، السنة ۳۸ - العدد ۲ .
۲۵. محمد، فايز محمد حسين؛ فلسفة التشريع في أحكام الأسرة والمقاصد الشرعية، مجله: الحقوق للبحوث القانونية الاقتصادية « يناير ۲۰۱۳ - العدد ۴۱ (المجلد الاول) .

۲۶. النوری، المیرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل  
البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.



۹۴  
حسب التمثین

سال دهم، شماره چهارم و چهل و یکم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱